

## تجلی صلوات در قرآن و سیره نبوی

کاظم قاضی زاده\*

هاشم اندیشه\*\*

تاریخ دریافت: ۹۲/۷/۳۰

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۲/۲۰

### چکیده

صلوات اهمیت ویژه‌ای در اسلام و جامعه مسلمانان دارد، و یکی از شعارهای مهم اسلام در زنده نگه داشتن سنت پیامبر اسلام(ص) و اهل بیت‌اش(علیهم السلام) به شمار می‌آید که ما باید آن را زنده کرده و به آن اهتمام ورزیم و به آن ارج نهیم، تا اسلام و دین اسلام و نام پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) برای همیشه زنده بماند و همین شعار موجب وحدت امت اسلامی هم می‌باشد؛ چنانکه در قرآن و روایات تأکید بسیاری شنیده‌ایم و دیده‌ایم بر اینکه بر پیامبر(ص) و آل‌اش(ع) درود و صلوات فرستاده شود. حال ما به بررسی لغوی و اصطلاحی و قرآنی و روایی آن هرچند کوتاه می‌پردازیم.

**کلیدواژگان:** آیات، سنت پیامبر(ص)، صلوات بر پیامبر(ص)، درود بر پیامبر(ص).

\* عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس.

\*\* کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، مشهد، ایران.

## مقدمه

درفرہنگ های واژگانی معانی و تعابیر مختلفی برای واژه صلوات آمده است. «این ماده بر دو قسمت واوی و یائی است. واوی از سریانی گرفته شده، در زبان عربی تکامل یافته و از آن به صلاه در عربی تعبیر شده و در معنای عبادت مخصوص استعمال شده است. اصل این ماده ثناء جمیل است چه به صورت تحیت باشد و چه به صورت دعای دیگر که مفاهیم تحمید، تحیت و شکر را در بر دارد. اما قسمت یائی یعنی صلی به معنای نزدیکی و عرضه بر آتش است.»

سپس در ادامه سخن خود می‌گوید: «مناسبت بین «صلوا و صلی» این است که هر دو مشترک در عرضه است جز اینکه صلاه عرضه بر مقام بلند و نورانی است، و صلی عرضه بر آتش و فرق آن در بیا است که دلالت بر پستی و خوار شدن می‌کند، در حالی که صلوا عرضه محبت و مودت و اظهار تحیت و تحسین برای آن مقام بلند است» (المصطفوی، ۱۳۶۰ ش، ج ۶: ۳۰۹-۳۱۶).

ازهری در «تہذیب اللغۃ» در اصل این ماده دو نظر را مطرح کرده است: به نقل از زجاج می‌گوید: «اصل در صلاه وجوب و تکلیف است و «من یصلی فی النار» به کسی گفته می‌شود که آتش بر او واجب شده است. از سوی دیگر اهل لغت در مورد اصل صلاه معتقدند که از صلویں گرفته شده، و صلویں دو استخوان در عجز حیوان است که دم حیوانات از قبیل اسب و حمار از میان آن دو استخوان می‌گذرد؛ و چون نمازگزار در وقت رکوع و سجود آن دو استخوان را حرکت می‌دهد او را مصلی گویند» (ازهری، ۱۴۲۲ق، ج ۲: ۲۰۴۹). / ازهری خود قول اول را برمی‌گزیند.

/ ابن فارس ذیل این ماده نوشته است: «صاد و لام و حرف معتل (صلی) دارای دو ریشه است یکی آتش و آنچه شبیه آن باشد از افروختنی‌ها و دیگری نوعی از عبادت. اولی مانند صلی بالنار: به آتشی گرفتار شد و دومی مانند صلاه که به معنی دعاست. در حدیثی از پیامبر (ص) روایت شده که فرمود: «إِذَا دُعِيَ أَحَدُكُمْ إِلَى طَعَامٍ فَلْيَجِبْ وَإِنْ كَانَ صَائِمًا فَلْيُصَلِّ»: «وقتی یکی از شما به مهمانی دعوت شوید پاسخ مثبت دهید و اگر روزه هم بودید بر آن‌ها دعا کنید (و نیت خیر آن‌ها را به پاکی بستائید)» (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۵۴۹).

خلیل بن احمد / فرایدی نخستین نگارنده «معجم لغات» چنین می‌نویسد: «صلوات جمع صلاه از ریشه صلوا بوده که واو تبدیل به الف شده است، و صلا به معنای آتش هیزم است. گفته

می‌شود صلی الکافر ناراً؛ کافر برای آتش دوزخ به مثابه هیزم است که آن را شعله‌ورتر می‌کند» (الفراهیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۸: ۴۵۶).

و اما صلوات در اصطلاح: *ابن‌اثیر* گفته است: «اصل صلاه در لغت به معنای تعظیم است و عبادت مخصوص صلاه نامیده شده، چون همراه با تعظیم و بزرگداشت پروردگار است» (ابن‌اثیر، بی تا، ج ۳: ۵۰).

اکثریت لغت‌شناسان اصل این واژه را به معنای دعا و اسم مصدری می‌دانند، که جاری بر وزن مصدر نبوده و به جای آن به کار رفته است. برای نماز نیز واژه صلاه به کار رفته چون در آن دعا و استغفار است؛ مانند نامیدن چیزی به اسم بعضی از اجزای آن (جوهری، ۱۳۷۷ق، ج ۶: ۲۴۰۲). *راغب اصفهانی* واژه‌شناس معروف قرآن می‌گوید: «بیش‌تراهل لغت گفته‌اند صلاه به معنای دعا و تبریک و تمجید است» (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق: ۴۹۰).

*فیروز آبادی* در کتاب خود «قاموس المحيط» چنین آورده است: «الصلاه: دعا و رحمت و استغفار و ثنا از خداوند عز و جل بر پیامبرش (ص)، و عبادتی که شامل رکوع و سجود است» (فیروز آبادی، ۱۴۱۹ق: ۱۳۰۴).

صاحب معجم «تهذیب اللغه» می‌گوید: «صلاه تکلیف آن چیزی است که خدا بر ما واجب کرده است و از بزرگ‌ترین واجباتی است که به انجام آن امر شده است» (ازهری، ۱۴۲۲ق، ج ۲: ۲۰۴۹).

به نظر می‌رسد واژه صلوات در مورد پیامبر (ص) و آل ایشان (علیهم السلام) نیز چون مشتمل بر تعظیم و بزرگداشت آن‌ها و دعا در حق‌شان بوده به کار رفته است.

برطبق نظریه علامه *طباطبائی* «معنای جامع صلاه به طوری که از موارد استعمال آن فهمیده می‌شود انعطاف و عنایت خاص است، و به خاطر اختلاف مواردی که به آن نسبت داده می‌شود این معنای جامع مختلف می‌شود. به این معنا که صلوات از جانب خداوند به معنای فرستادن رحمت و از ناحیه ملائکه استغفار و طلب رحمت برای آن حضرت و از سوی مردم به معنای دعا در حق پیامبر (ص) می‌باشد» (طباطبائی، ۱۳۷۷، ج ۱۶: ۴۹۳).

*حسینی اردکانی* می‌گوید: «کلمه صلاه که مفرد صلوات است در اصطلاح برای دو معنی به کار رفته است: یکی درود و آن دعایی است که مضمون‌اش استدعای رفعت و ازدیاد قرب برای

پیامبر و آل او خواسته شده است، دوم نماز و آن عبارت از عبادتی است مخصوص، مشتمل بر حرکات و سکناات و ادعیه و اذکار مخصوصه» (حسینی اردکانی، ۱۳۷۲ش: ۴۱).

## معانی و وجوه صلوات در قرآن

برای واژه صلاه در ساختار قرآن وجوه مختلفی بیان شده است. تفلیسی در کتاب «وجوه قرآن» برای این واژه هفت وجه قائل است که در ذیل به آن اشاره می‌کنیم:

۱. صلاه به معنای «دعا» چنانکه خداوند در قرآن فرمود:

﴿وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ﴾

«برای آن‌ها دعا کن که دعای تو آرامشی برای ایشان است» (توبه/ ۱۰۳).

۲. صلاه به معنای «آمزش و رحمت» چنانکه خداوند می‌فرماید:

﴿وَيَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ قُرْبَاتٍ عِنْدَ اللَّهِ وَصَلَوَاتِ الرَّسُولِ﴾

«آنچه را انفاق می‌کنند مایه تقرب نزد خداوند و استغفار پیامبر می‌دانند» (توبه/ ۹۹).

۳. صلاه به معنای «نماز» چنانکه خداوند می‌فرماید:

﴿أَقْرِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ﴾

«نماز را از زوال آفتاب تا نهایت تاریکی شب بر پا دار (نمازهای

پنج‌گانه)» (بنی اسرائیل / ۷۸).

۴. صلاه به معنای «درود و آفرین» همان‌طور که خداوند در قرآن فرمود:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ﴾

«خدا و فرشتگان اش بر پیامبر (ص) درود می‌فرستند» (احزاب / ۵۶).

۵. صلاه به معنای «دین» چنانکه خداوند می‌فرماید:

﴿قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصَلَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ نَتْرُكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا﴾

«گفتند ای شعیب آیا دین تو به تو دستور می‌دهد که آنچه را پدران ما پرستیده‌اند

رها کنیم» (هود / ۸۷).

۶. صلاه به معنای «کنشست و عبادتگاه یهودیان» چنانکه در قرآن آمده:

﴿لَهْدِمَتْ صَوَامِعُ وَبِيعَ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ﴾ (حج/۴۰)

۷. صلاه به معنای «قرآن خواندن در نماز» چنانکه خداوند می‌فرماید:

﴿وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافُتُ بِهَا﴾

«قرائت قرآن نمازت را به آواز بلند مخوان و بسیار آهسته‌اش مکن» (اسراء/۱۱۰).

ابن جوزی صاحب کتاب «نزهة الأعين» برای این واژه ده وجه را ذکر کرده، بدین صورت که بر هفت وجه گذشته سه وجه دیگر نیز می‌افزاید که ذیلاً بیان می‌کنیم:

۱. صلاه به معنای «نماز جمعه» چنانکه خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ﴾

«چون برای نماز جمعه ندا در داده شد به سوی ذکر خدا بشتابید» (جمعه/۹).

۲. صلاه به معنای «نماز عصر» چنانکه خداوند می‌فرماید:

﴿تَحْسِبُونَهُمَا مِنْ بَعْدِ الصَّلَاةِ﴾

«پس از نماز آن دو را نگاه می‌دارید» (مائده/۱۰۶).

۳. صلاه به معنای «نماز میت» چنانکه خداوند می‌فرماید:

﴿وَلَا تَصَلِّ عَلَىٰ أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا﴾

«هرگز بر هیچ مرده‌ای از آنان نماز مگزار» (توبه/۸۴).

دامغانی در کتاب «الوجوه والنظائر» خویش برای این واژه چهار وجه به صورت ذیل ذکر

می‌کند:

۱. صلاه به معنای «استغفار» چنانکه خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ﴾

«برای آن‌ها استغفار کن که استغفار تو آرامشی برای آن‌هاست» (توبه/۱۰۳).

۲. صلاه به معنای «مغفرت» چنانکه خداوند می‌فرماید:

﴿أُولَٰئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ﴾

«برای‌شان مغفرت و رحمتی از جانب پروردگارشان است» (بقره/۱۵۷).

۳. صلاه به معنای «نماز» چنانکه خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ﴾

«آنان که به غیب ایمان می‌آورند، و نماز را بر پا می‌دارند» (بقره/ ۳).

۴. صلاه به معنای «محل خواندن نماز» چنانکه خداوند متعال در قرآن فرمود:

﴿صَوَاعِقُ وَبِيعَ صَلَوَاتٍ وَمَسَاجِدَ﴾

«صومعه‌ها، کلیساه‌ها، کنیسه‌ها و مساجد» (بقره/ ۴۰).

### حکمت و فلسفه صلوات در آیات و احادیث

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾

(احزاب/ ۵۶).

خداوند و فرشتگان بر روان پاک این پیامبر صلوات و درود می‌فرستند. شما هم ای اهل ایمان بر او صلوات و درود بفرستید و با تعظیم و اجلال بر او سلام گویند (و تسلیم فرمان او شوید).

### اوج رحمت پرودگار

حکمت صلوات از جهت مظهریت رحمت واسع‌ه الهی است. صلوات خود طلب رحمت است و آن کسی که بر او این رحمت را می‌طلبیم یعنی نبی گرامی اسلامی مظهر رحمت واسع‌ه الهی است، همان‌گونه که خداوند نیز او را چنین وصف کرده:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾

«و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم» (انبیاء/ ۱۰۷)

و به حکم این آیه شریفه وجود حضرت خاتم النبیین برای تمام عالمیان رحمت است، و رحمت‌اش شامل کلیه عوالم می‌باشد پس صلوات بر آن حضرت موجب تجلی رحمت الهی بر تمام عالم و تمام موجودات است (ربانی، ۱۳۵۳: ۱۴).

### قیام به اداء حق پدری و معلمی

حکمت دیگر در صلوات فرستادن، قیام به ادای حق پدری و معلمی آن حضرت برای امت است، زیرا که پیامبر و امیرالمؤمنین صلوات الله علیهما و آلهما، به مضمون حدیث «أَنَا وَأَنْتَ أَبَوَا

هذه الأمة» (من و تو پدران این امت هستیم) (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۳۶: ۹)، در حکم دو پدر برای امت‌اند که برای هدایت و تربیت این امت رنج فراوان دیده و زحمات بسیاری متحمل شده‌اند و هر که را دل روشنی هست، از نظر تربیت آن حضرت است و هر که را دل پاکیزه هست، از اثر تقویت اوست. پس صلوات فرستادن قیام به ادای بخشی از این حق از سوی ماست که کوتاهی در انجام آن شایسته نیست (حسینی اردکانی، ۱۳۷۲: ۵۰).

### صلوات، ضمانت شفاعت

مقام شفاعت از امتیازات انبیا و ائمه شمرده شده؛ و از آنجا که مقام خاتم انبیا محمد(ص) از همه بالاتر است مقام شفاعت آن حضرت هم از همه بالاتر و گسترده‌تر است، و ثمن شفاعت صلوات است و هر که ثمن بیش‌تر تسلیم نماید با جواز زیادتی ثمن سزاوارتر می‌شود (عسگرپور، ۱۳۸۵ش: ۱۵).

رسول خدا(ص) / امیر المؤمنین را وصیت می‌نمود و در ضمن آن فرمود که: «یا علی، هر که در هر روز یا در هر شب بر من صلوات فرستد شفاعت من برای او واجب می‌شود، هر چند که از اهل گناهان کبیره باشد» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۹۱: ۶۳).

از امام سجاده(ع) در دعای سی و یک صحیفه سجادیه این طور نقل شده است:  
«صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَوةً تَشْفَعُ لَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَوْمَ الْفَاقَةِ إِلَيْكَ» (صحیفه سجادیه، ۱۳۸۰ ش، دعای ۳۱: ۱۶۸).

«بار الها بر محمد و آل او درود فرست، درودی که برای ما در روز قیامت و روز نیازمندی به تو شفاعت کند».

پس روشن شد که یکی دیگر از حکمت‌های فرستادن صلوات، صلوات فرستادن بر محمد و آل اوست که ضامن شفاعت انسان در روز نیازمندی است.

### سپاس از خدا و پیامبر(ص)

یکی از ارزش‌های اخلاقی تشکر از بخشنده نعمت، و تشکر از واسطه در رسیدن به نعمت است و شکر منعم از اهم واجبات عقلی و وجدانی هر بشر شریفی است. هیچ کس منکر آن نیست

و همه می‌دانند که هر خیر و برکتی که از اسلام و مسلمین (خصوصاً) و به بشر (عموماً) رسیده و تا ابد خواهد رسید مسبب و واسطه آن رسول خدا و اهل بیت آن حضرت سلام الله اجمعین هستند، و مقتضای این احسان بزرگ بر حسب آیه قرآن «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ»: «آیا پاداش احسان و نیکی جز نیکی است» (الرحمن / ۶۰) این است که هر انسان پاک‌فطرتی به پاس تشکر از آن همه لطف و احسان نبی اکرم و خاندان‌اش بر عموم بشریت و مخصوصاً مسلمین، از خداوند رحمت و صلوات و سلام بر آن حضرت و خاندان‌اش را درخواست نماید. زیرا کسی که از بنده واسطه نعمت تشکر نکند از خدا تشکر نکرده است و شکر فی نفسه یکی از عبادات و ترتب ثواب بر آن عقلاً و نقلاً ثابت است.

به علاوه اگر کسی در معرفت رسول خدا تعمق کند و به مقام شامخ عقلانی آن حضرت آشنا گردد و به یاد آورد که او با آن همه کمالات عبد و بنده محتاج خداست، به محض اینکه متذکر نام نامی آن حضرت شد، رو به درگاه خدا آورد و برای آن حضرت از خداوند متعال صلوات و رحمت و درود درخواست نماید و به همین سبب در تشهد نماز «أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ» را تشریح فرموده‌اند که نمازگزار مرتبه امکان و عبودیت آن حضرت را فراموش نکند و خدایی را ستاید که خالق چنین بنده‌ای است و این خود کمالی برای بنده است. آری! صلوات ما گونه‌ای از سپاسگزاری از اوست به خاطر هدایت و سعادت که ما را ارزانی داشته (زند کرمانی، ۱۳۷۹ ش: ۷۱۷۰).

### اثبات دوستی و مودت با پیامبر(ص) و اهل بیت(علیهم السلام)

دوستی و مودت با اولیاء الله پس از محبت خدا و رسول‌اش، و دشمنی با دشمنان ایشان بر هر مسلمانی واجب است و پایبندی به این عقیده، از جمله اصول عقیده اسلامی بوده که به نام تولی و تبری از آن یاد می‌شود و بر هر مسلمانی واجب است، اهل آن را دوست داشته و با مخالفان آن دشمنی بورزد. این اساس دین ابراهیم و پویندگان سنت اوست، همان کسانی که رب العالمین فرمان داده است، به آنان اقتدا کنیم آنجا که می‌فرماید:



﴿قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا الْقَوْمِ هُمْ إِنَّا بَرَاءٌ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ﴾

«قطعاً برای شما در (پیروی از) ابراهیم و کسانی که با او بودند سرمشقی نیکوست، آنگاه که به قوم خود گفتند: ما از شما و از آنچه به جای خدا می‌پرستید بیزاریم. به شما کفر می‌ورزیم و میان ما و شما دشمنی و کینه همیشگی پدیدار شده تا وقتی که فقط به خدا ایمان آورید» (ممتحنه / ۴).

شالوده دین محمد مصطفی (ص) نیز بر همین اساس استوار است، چنانکه خداوند می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، یهود و نصاری را دوستان (خود) مگیرید (که) بعضی از آنان دوستان بعضی دیگرند. و هرکس از شما آن‌ها را به دوستی گیرد از آنان خواهد بود. آری، خدا گروه ستمگران را راه نمی‌نماید» (مائده / ۵۱).

و چنانکه در سوره مائده فرموده است:

﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ \* وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْعَالِيُونَ﴾

«تنها الله و فرستاده او و مؤمنانی یاور و دوست شما می‌اند که خاشعانه و خاضعانه نماز را به جای می‌آورند و زکات پرداخت می‌کنند\* و هرکس که خدا و پیامبر او و مؤمنان را به دوستی و یاری بپذیرد (پیروز است) چراکه حزب خدا همان پیروزمندان اند» (مائده / ۵۵-۵۶).

پس ابراز محبت به اهل بیت جزئی از دین است و چه راهی زیباتر از صلوات برای اثبات محبت به اهل بیت (ع)، همان محبتی که اهل ایمان را از آن گریزی نیست و این محبت، طبیعی نیست، بلکه محبتی است اختیاری، که از صفای اعتقاد و خلوص نیت حاصل می‌شود. و دلالت صلوات فرستادن، بر اثبات این محبت، به دو وجه است:

یکی آنکه علامت دوستی با کسی، دوستی با یاد اوست، خواه آنکه خود گوید، و خواه از دیگری شنود.

دیگر آنکه هر که کسی را دوست دارد، وسیله وصول به او را نیز دوست دارد، و طالب آن هست. پس علامت آنکه سلطان محبت، در سراپرده دل قرار گرفته است، آن است - که زبان که مفتاح خانه دل است - پیوسته به ذکر محبوب جاری باشد. پس بنده‌ای که اکثر اوقات خود را، به صلوات بر محمد و آتش می‌گذراند، گویا اقامه شهادت می‌کند به محبت حبیب خدا جَلَّ جلاله (حسینی اردکانی، ۱۳۷۲: ۵۱).

### صلوات پلی برای کمال

حکمت دیگر در صلوات فرستادن این است که صلوات پلی برای کمال خود ماست، زیرا که صلوات بر پیامبر(ص) دعا به درگاه خداوند است و دعا در حق مؤمن سودش به دعاکننده هم می‌رسد، یعنی سود صلواتی که بر پیامبر(ص) می‌فرستیم به خود ما برمی‌گردد. در این زمینه از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: «دعای مسلمان به برادرش سبب افزون شدن رزق دعاکننده می‌شود و بلا را از او دور می‌گردند و خدا به او می‌گوید که همان دعا در حق خودت هم باشد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۰: ۳۸۷).

صلوات اقرار و تصدیق به فضل آن حضرت نمودن است و چون از خدا می‌خواهیم که مقام او را از لحاظ مادی و معنوی بالاتر ببرد، این دعا سبب می‌شود درجه خود ما نیز که پیرو او هستیم بالا برود. از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمودند: «هر کس بر من صلوات فرستد خدا و فرشتگان اش بر او صلوات می‌فرستند، حال هر که خواهد کم فرستد و هر که خواهد بیش» (کلینی، ۱۳۸۱ش، ج ۲: ۴۷۸).

پس کسی که بر پیامبر(ص) صلوات می‌فرستد، خدا و ملائکه اش بر او صلوات و درود می‌فرستند و چه چیزی از این بالاتر که انسان مشمول صلوات الهی قرار بگیرد. از سوی دیگر صلوات بر محمد(ص) از وسایل استجاب دعاست، بنده اگر هزار بار خدایش را بخواند اجابت نخواهد کرد تا دعای خود را به صلوات آغاز کند و به صلوات ختم کند.

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: «چون یکی از شما دعا کند و پیغمبر(ص) را یاد نماید آن دعا در بالای سر او پر می‌زند و چون آن حضرت را یاد نماید دعا بالا می‌رود»(همان: ۴۷۷).

امام علی(ع) نیز در همین زمینه فرموده‌اند:

«كُلُّ دُعَاءٍ مَحْجُوبٍ حَتَّى يُصَلَّى عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ»

«هیچ دعائی به آسمان نمی‌رسد مگر این که دعاکننده بر محمد و آل او صلوات

بفرستد»(مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۷: ۲۶۰).

### صلوات ارتباط بین پیامبر(ص) و ائمه(ع) و مؤمن

حکمت دیگر در صلوات و امر به صلوات فرستادن امت بر آن حضرت این است که روح انسان به واسطه ضعف و تعلقات بدن و انس به محسوسات، در پذیرفتن انوار الهی ناقص می‌باشد و استعداد قبول آن را ندارد مگر زمانی که سنخیت و ارتباطی میان او و روح پیامبری که صاحب دعوت آن زمان است استحکام پذیرد، زیرا که ارواح مقدسه انبیاء علیهم السلام از علائق مبراست و پیوسته از مبدا فیض الهی، کلیه فیوض متوجه ایشان می‌باشد، پس چون روح کسی مناسبت و ملائمت با روح پیغمبر پیدا کند پرتوی از آن به روح آن فرد می‌تابد و به قدر استعداد خود فیض پذیر می‌شود. بنابراین نور گرفتن از آن انوار لاهوتی و فیض بردن از آن برکات جبروتی، برای ارواح این امت موقوف است به وجود مناسبت و آشنایی با سیرت و سریرت آن حضرت و هیچ واسطه و رابطه‌ای برای آن آشنایی بهتر از صلوات نیست(مظفری معارف، ۱۳۸۴ ش: ۲۵) و از اینجاست که آن حضرت فرمود: «سزاوارترین مردم به من، در روز قیامت، آن کس است که بر من بیش‌تر صلوات بفرستد»(مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۱: ۶۳).

### صلوات دربرگیرنده اصول دین است

یعنی صلوات، ذکری کامل و جامع است که همه چیز درون‌اش نهفته شده است:

### ۱. توحید

در صلوات شخص با گفتن ذکر خدا بر وجود حضرت حق و عبد بودن خود گواهی می‌دهد و وقتی از او می‌خواهد بر حبیب و فرستاده‌اش درود فرستد، گویی به وجود خداوند گواهی می‌دهد و این توحید است، اعتراف به یگانگی خداوند و شریک نداشتن حضرت باری تعالی.

### ۲. نبوت

از طرفی در این ذکر مقدس شخص از خداوند می‌خواهد که بر محمد(ص) به عنوان فرستاده خویش درود فرستد، و این اقرار به نبی بودن پیامبر(ص) و اذعان به اصل نبوت به عنوان دومین اصل از اصول دین است.

### ۳. امامت

در آخر صلوات واژه «آل» وجود دارد و شخص از خداوند می‌طلبد که علاوه بر پیامبر(ص) بر آل او نیز درود بفرستد، گویی شخص مسأله امامت و ولایت اهل بیت پیامبر(ص) را تصدیق می‌کند و با هم‌سنگ قراردادن ایشان با پیامبر(ص) ایشان را ادامه دهنده راه پیامبر(ص) در هدایت بشر قلمداد می‌کند و این چیزی نیست جز امامت، اصل دیگری از اصول دین که باید امامت دوازده امام را در خط امتداد نبوت بپذیریم و بین محمد و دودمانش - یعنی حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها و دوازده امام معصوم - جدایی نیفکنیم و در این خط راستین اولیاء معصومین خداست، گام برداریم تا رستگار شویم(کیانی زاده، ۱۳۸۱ ش: ۷).

### خواص و فضایل صلوات در آیات و روایات

آثار اخروی و دنیوی صلوات فراوان است و ما به برخی از آنها در اینجا اشاره می‌کنیم:

#### ۱. قرب پیامبر اسلام (ص)

از پیامبر(ص) نقل شده است: «سزاوارترین مردم به من در روز قیامت، آن است که بر من بیشتر در دنیا صلوات بفرستد»(مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۱: ۶۳ و سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۵: ۴۱۰).

## ۲. رضایت الهی

امام صادق به سند متصل در این زمینه روایت است که پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «صلوات فرستادن شفا بر من، باعث روا شدن حاجتهای شماست و خدا را از شما راضی می‌گرداند و اعمال شما را پاکیزه می‌گرداند» (ابن طاووس، ۱۳۷۱ ش: ۲۴۲).

## ۳. پاکی اعمال

رسول خدا فرمود: «صلوات فرستادن شما بر من، موجب پاکیزه شدن عمل‌های شماست» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۹۱: ۷۰).

## ۴. شفاعت پیامبر اکرم (ص)

پیامبر اکرم (ص) به امیرالمؤمنین (ع) وصیت می‌کرد و می‌فرمود: «ای علی، هر کس در هر روز، یا در هر شب، بر من صلوات بفرستد، شفاعت من بر او واجب میشود هر چند که از اهل گناهان کبیره باشد» (همان: ۶۳).

## ۵. كفاره گناهان

از پیامبر اکرم روایت شده که فرمودند: «هر کس در هر روز سه بار و در هر شب سه بار از روی محبت و اشتیاقی که نسبت به من دارد، بر من صلوات فرستد بر خداوند است که گناهان‌اش را در آن شب و در آن روز ببامرزد» (همان: ۷۰).

## ۶. درود خدا و فرشتگان بر فرستنده صلوات

کسی که بر پیامبر (ص) صلوات بفرستد خدا و ملائکه‌اش بر او صلوات و سلام می‌فرستند، و چه فضیلتی از این بالاتر که انسان مشمول صلوات الهی و ملائکه مقرب‌اش قرار گیرد. در این زمینه از شیعه و اهل سنت روایات زیادی نقل شده که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

در «اصول کافی» از امام جعفر صادق (ع) روایت شده که به اسحاق بن فروخ فرمود:

«هر کس ده مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد (ص) بفرستد، خدا و ملائکه صد مرتبه بر او صلوات می‌فرستند و هر کس صد مرتبه بر محمد و آل او صلوات بفرستد، خدا و ملائکه هزار بار به او صلوات می‌فرستند مگر سخن خداوند را نشنیده‌ای که می‌فرماید:

﴿هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ

رَحِيمًا﴾ (احزاب / ۴۳).

«اوست خدایی که هم او و هم فرشتگان اش بر شما بندگان رحمت می فرستند تا شما را از ظلمت ها بیرون آرد و به عالم نور رساند و او بر اهل ایمان بسیار مهربان است» (کلینی، ۱۳۸۱ ش، ج ۲: ۴۸۰).

و نیز از آن حضرت روایت شده که فرمود:

«چون نام پیغمبر(ص) برده شد، بسیار بر او صلوات فرستید، زیرا هر کس یک صلوات بر پیغمبر(ص) فرستند خداوند هزار بار در هزار صف از فرشته ها بر او صلوات فرستد، و چیزی از مخلوقات خدا نماند جز اینکه بر این بنده صلوات فرستد برای آنکه خداوند و فرشتگان برای او صلوات فرستند، و هر کس در این فضیلت رغبت نکند جاهل و مغرور است و خدا و رسول و اهل بیت آن حضرت، از او بیزارند» (همان: ۴۷۸).

در «صحیح مسلم» نیز از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمود: «هر کس بر من یک صلوات بفرستد، حق تعالی بر او ده صلوات می فرستد» (القشیری نیسابوری، ۱۴۱۵ ق، ج ۲: ۱۰۹).

#### ۷. سنگینی میزان حسنات

از یکی از دو امام باقر(ع) یا امام صادق(ع) روایت شده است که:

«در میزان و ترازوی اعمال چیزی سنگین تر از صلوات بر محمد و آل م محمد نیست و همانا مردی باشد که اعمالش را در میزان قرار دهند و کفه حسنات او سبک باشد پس رسول خدا(ص) بیرون می آید و صلواتی که آن مرد بر آن حضرت فرستاده است، در کفه حسنات او می گذارند، آن کفه بر کفه سئیات سنگینی می کند» (کلینی، ۱۳۸۱ ش، ج ۲: ۴۸۰).

#### ۸. قرب و دوستی الهی

از آنجا که صلوات فرستادن بر پیامبر(ص) نور و رحمت و هدایت است، انسان را به مقام قرب الی الله نزدیک می سازد، مقامی که هر کس آرزوی رسیدن به آن را دارد و تنها کسانی که با خلوص نیت در راه خدا گام برداشته باشند به این مقام خواهند رسید.

شیخ صدوق از امام حسن عسگری روایت کرده است که فرمود:

«حق تعالی، ابراهیم را خلیل خود گردانید، برای آنکه بر محمد و آل محمد(ص) صلوات بسیار

می فرستاد» (الصدوق، ۱۳۸۰ ش، ج ۱: ۳۳).

## ۹. از بین رفتن نفاق

رسول خدا(ص) فرمود: «آوازه‌های خود را در صلوات فرستادن بر من بلند گردانید، زیرا که آن، نفاق را برطرف می‌سازد» (الصدوق ۱۳۸۶: ۱۹۱).

## ۱۰. علت و سبب نور

پیامبر(ص) فرمودند: «بسیار بر من صلوات بفرستید، زیرا که صلوات فرستادن بر من، در قبر و در صراط و در بهشت نور است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۱: ۷۰).

## ۱۱. هدایت به بهشت

پیامبر اکرم(ص) فرموده‌اند: «هرکس که نام من نزدش برده شود و صلوات فرستادن بر من را فراموش کند از راه بهشت به خطا رفته است» (کلینی، ۱۳۸۱ش، ج ۲: ۴۷۹).

## ۱۲. رسیدن به رستگاری و سعادت

صلوات فرستادن بر پیامبر اطاعت امری است که در آیه:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»

«ای کسانی که ایمان آوردید بر او درود بفرستید و بر او سلام گویند و تسلیم فرمان او شوید» (احزاب / ۵۶).

وارد شده است و روشن است که اطاعت امر خدا و رسول، موجب رستگاری و سعادت انسان می‌گردد. چنانکه خداوند می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا﴾ (احزاب / ۷۱).

از سوی دیگر صلوات، جانشین ذکر خدا و عبادت پروردگار محسوب می‌شود.

چنانکه از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمود:

«یاد کردن خدا، عبادت است و یاد کردن من، عبادت است و یاد کردن علی(ع) عبادت است و

یاد کردن امامان اولاد علی(ع) عبادت است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۱: ۶۹).

هم‌چنین امام رضا(ع) در این زمینه می‌فرماید:

«صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد (علیهم السلام) معادل است با تسبیح و تهلیل و

تکبیر در نزد خداوند» (الصدوق، ۱۴۱۴ق: ۴۵).

و شکی در این نیست که عبادت پروردگار نیز سعادت و فلاح انسان را در پی خواهد داشت همانطور که خداوند فرموده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾

«ای کسانی که ایمان آوردید، خدای را در نماز، رکوع و سجود آرید خالص او را پرستید و کار نیکو کنید، باشد که رستگار شوید» (حج / ۷۷).

### نتیجه بحث

طبق آیات و روایات صلوات همراه رحمت و مغفرت و رستگاری و دوری از نفاق است و موجب قرب الهی و سنگینی میزان حسنات و پاکی اعمال و شفاعت پیامبر(ص) می‌شود. با صلوات، والاترین نعمت‌ها را از حضرت حق درخواست می‌کنیم، تا زندگی و مرگمان، شبیه زندگانی و مرگ پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) او باشد. یعنی از زندگی وهمی و خیالی، بیرون آمده و زندگی واقعی که شایستگی درود و صلوات خدا را داشته باشد دریابیم. درود و صلوات بر پیامبر(ص) و اهل بیت ایشان(ع) از مشترکات بین پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) است، و ما هم با استفاده از این شعار اسلامی به وحدت بیش‌تر و اعتلای بیش‌تر اسلام و جهان اسلام کوشیده و سعی کنیم آن را زنده نگه داریم (ان شاءالله) تا مورد رحمت و لطف روز افزون خداوند متعال و پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت(ع) قرار گیریم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



## کتابنامه

### قرآن کریم.

- ابن اثیر، الجزری ابوالسعادات مبارک بن محمد. بی تا، **النهاية في غريب الحديث والأثر**، تحقیق طاهر احمد الزاوی و محمود محمد الطناجی، بی جا: المكتبة الاسلامية.
- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن. ۱۴۰۴ ق، **نزهة الأعين النواظر في علم الوجوه والنظائر**، تحقیق محمد بن عبدالکریم کاظم الراضی، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- ابن طاووس، علی بن موسی بن جعفر. ۱۳۷۱ش، **جمال الأسبوع بكمال العمل المشروع**، تحقیق جواد قیومی، بی جا: مطبعة الاخر شمال.
- ابن فارس، احمد. ۱۴۰۴ ق، **معجم مقاییس اللغة**، قم: مكتب الإعلام الاسلامی.
- تفلیسی، ابوالفضل حبیب بن ابراهیم. ۱۳۶۰ش، **وجوه قرآن**، ترجمه مهدی محقق، تهران: انتشارات بنیاد قرآن.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. ۱۳۷۷ق، **الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية**، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، مصر: دارالكتاب العربی.
- حسینی اردکانی، احمد بن محمد. ۱۳۷۲ش، **شرح و فضائل صلوات**، تهران: انتشارات میقات.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم الحسین بن محمد بن فاضل. ۱۴۰۴ ق، **المفردات في غريب القرآن**، مصر: دفتر نشر الكتاب.
- ربانی، محمدرضا. ۱۳۵۳ش، **صلوات ربانی از نظر قرآن**، برهان، عرفان، تهران: کتابفروشی اسلام.
- سیوطی، جلال الدین. ۱۴۲۱ ق، **الدر المنثور في تفسير المأثور**، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- طباطبایی، سید محمدحسین. ۱۳۷۷ش، **تفسیر المیزان**، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- کیانی زاده، علیرضا. ۱۳۸۱ش، **صلوات و فوائد آن**، تهران: انتشارات ثارالله.
- مجلسی، محمدباقر. ۱۴۰۳ق، **بحار الأنوار لدرر اخبار الائمة الأطهار**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

## مقالات

ممتحن، مهدی و بدیع الله صدری. ۱۳۹۲، «بررسی عرفانی آخرین سخن خدا با آخرین پیامبر»، فصلنامه مطالعات قرآنی، دانشگاه آزاد جیرفت، دوره ۴، ش ۱۴: صص ۴۷-۶۴.

